

اسرار عالم آفرینش



آیت الله جوادی آملی

قسمت سوم

بت پرستان هم خواهد بود، ولی عمده این است که بدانیم: خالق این نظام از ما چه می طلبد؟ اینکه اصرار دارد که باطن و ظاهر آسمان و زمین را بنگرید تا عالم و معتقد و مؤمن شوید برای چیست؟

نتیجه مطالعه در نظام آفرینش

در بسیاری از آیات، مسأله «ملك السموات والأرض» مطرح است چنانچه در سوره مائده می فرماید: «الم تعلم ان الله له ملك السموات والأرض»^۱ - آیا نمی دانی که از برای خدا است ملك آسمانها و زمین. و در سوره بقره می فرماید: «الم تعلم ان الله له ملك السموات والأرض»^۲ آیا قرآن خواسته در اینگونه آیات دارائی های خدا را برای ما ارقام گیری نماید؟

و در سوره «ق» می فرماید: «افلتم بنظروا الى السماء فوفهم كيف بيناها وزناها وما لها من فروج»^۳ آیا بسوی آسمانی که در بالای سر آنها قرار گرفته است نمی نگرند که چگونه آنرا بنا نمودیم و (به ستارگان) مزین ساختیم و در آن شکاف و رخنه ای نیست. یک اخترشناس هنگامی که در این ستارگان مطالعه می نماید، هم می تواند در جهت بهبود زندگی انسان و تسخیر منافع آنها گامهایی بردارد و هم خود به خالق آنها مؤمن شده و یا ایمان خویش را تقویت نماید، چنانچه درباره حضرت ابراهیم (ع) می فرماید: «وكذلك نرى ابراهيم ملكوت السموات والأرض وليكون من الموقنين»^۴ و هم چنین ما به ابراهیم ارائه دادیم ملكوت آسمانها و زمین را تا بمقام اهل یقین برسد. برای اینکه آسمان و زمین هم از ملك برخوردارند «والله ملك السموات والأرض» و هم دارای روح و جان هستند «الله غيب السموات والأرض»

چنین نیست که عالم آسمان و زمین در همین حدودی باشد که

چنانچه در شماره پیش گفتیم، تبیین سیر تفصیلی نظام داخلی آسمانها را علوم معده دارد و البته اکنون بر مبنای فرضیات کار می کنند، نه اینکه مبنا قضایای بدیهیه باشد که نظرات خویش را به آنها بازگردانند.

اما آنچه قرآن کریم در این باره می فرماید این است که آسمانها و زمین در آغاز به شکل کنونی نبوده اند: «اولم يرالذین كفروا ان السموات والأرض كانتا رتقاً ففطناهما»^۱ آیا آنان که به كفر گرایده اند نمی نگرند که آسمانها و زمین بسته بودند ما آنها را باز نمودیم، در آغاز آسمانها بصورت گاز بوده و سپس به طبقات هفتگانه تبدیل شده اند، این اجمالی از نظام داخلی است و در جریان آن نظام فاعلی را هم تبیین می فرماید؛ چه بعنوان خالق «خلق السموات بغیر عمد ترونها»^۲ آسمانها را بدون ستون مرئی آفرید، و چه بعنوان مُسَمِّك و حافظ «ویمسک السماء ان تقع علی الأرض»^۳ و آسمان را از سقوط بر زمین حفظ و نگه می دارد «وسع کرسیه السموات والأرض ولا یؤوده حفظهما وهو العلی العظیم»^۴ کرسی (حکومت) او آسمانها و زمین را در برابر گرفته و نگاهداری آنها برای او گران نیست و بلندی مقام و عظمت، مخصوص او می باشد.

اینگونه اسماء حسنی که از برای خدای متعالی است، در نظام فاعلی خلقت آسمانها و زمین مطرح است. و تبیین هم این را قبول داشتند که خالق آسمان و زمین خدا است و لذا قرآن کریم می فرماید: «ولئن سلطت من خلق السموات والأرض وسخر الشمس والقمر ليقولن الله»^۵ - چنانچه از آنان سؤال نمائی چه کسی آسمانها و زمین را آفرید و غورشید و ماه را تحت تسخیر قرار داد، خواهند گفت «الله» چرا؟ برای اینکه خدائی که از بنده خود مسئولیتی نخواهد مورد قبول

علم آن را تشخیص داده و می دهد، علم منهای ایمان تنها نظام داخلی آنها را می نگرند، تنها «ملک السموات والأرض» را می بیند ولی «غیب السموات والأرض» را نظاره نمی نماید که چهره دیگر آنها است، و تنها در آن نهاد و درون است که انسان را با هدف و قاعده آشنا می سازد و از این رو قرآن کریم بیش از آنکه به آن چهره ظاهری تکیه نماید به چهره درونی تکیه می نماید و با توجه دادن به امر اول زمینه را برای توجه به امر دوم مهیا می سازد.

کسانی که تنها در «ملک السموات والأرض» به مطالعه پرداختند عالم و دانشمند شدند ولی نه خود به ملکوت آسمانها و زمین راه یافتند و نه راهنمای دیگران شدند بلکه راه دیگران را هم به آنجا مسدود نمودند، اما آنانی که در ملکوت نگریستند و «الله غیب السموات والأرض» را مطالعه نمودند، همان کسانی هستند که قرآن کریم از آنها به این صورت یاد می نماید: «ان فی خلق السموات والأرض واختلاف الیل والنهار لآیات لأولی الالباب. الذین یدکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات والأرض وما ما خلقت هذا باطلاً سبحانک فقنا عذاب النار»^{۱۰} - مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین آمد و رفت شب و روز نشانه هائی است برای اولوالالباب و خردمندان. آنان که خداوند را در حال ایستادن و نشستن و آنگاه که به پهلو خوابیده اند یاد می نمایند و در اسرار خلق آسمانها و زمین می اندیشند (و می گویند) پروردگار ما! این (آسمانها و زمین) را بیهوده نیافریده ای، تو پاک منزهی ما را از عذاب آتش نگهدار.

اولوالالباب چه کسانی هستند؟

اولوالالباب کسانی هستند که لب و باطن جهان را می بینند ولی کسی که تنها به نگرش قرآن اکتفا می ورزد، لیبیب نخواهد بود، چرا که باطن آن را ندیده و درونش از معرفت خالی است. این تعبیری است که قرآن کریم درباره این افراد می فرماید: «واقفتم هواء»^{۱۱} دلهایشان خالی است؛ اینگونه افسرد تنها خود و دیگران را به سود و زیان مادی می رسانند و در حالی به قیامت وارد می شوند که دلهایشان تهی است، چرا که علم منهای ایمان دل را سیر نمی سازد. ستاره شناسان، گیاه شناسان، جانور شناسان و... که تنها به شناخت قشری طبیعت قناعت می ورزند، جز در محدوده سمع و بصر از این علم خویش طرفی نمی بندند و بهمین دلیل دلهایشان خالی است ولی اولوالالباب دارای محتوا و مغزند و در جمیع حالات به یاد خدایند «الذین یدکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق

السموات والأرض».

یکی از موارد تطبیقی این آیه شریفه هم مسأله نماز است که در هر حال باید خوانده شود، معصومین علیهم السلام فرموده اند: اگر کسی نمی تواند ایستاده نماز بخواند نشسته و اگر نمی تواند باید خوابیده بخواند و به این آیه کریمه استدلال شده است.

مراحل چهارگانه نظام غائی

مؤمن کسی است که بتواند چهار مرحله نظام غائی را بخوبی تبیین نماید قرآن کریم این مراحل چهارگانه را درباره نظام غائی که مهمترین بحث از مباحث خلقت آسمان و زمین است ارائه می دهد، و در این رابطه گاهی می گویند: اینها به باطل آفریده نشده اند و گاهی می فرماید: اینها بازیچه نیستند، و در جایی به حق بودن آنها اشاره می نماید و یا می گویند: جز حق نیستند، و در چهار مورد با این چهار تعبیر ذکر می نماید.

در سوره آل عمران می فرماید: «ربنا ما خلقت هذا باطلاً»^{۱۲} این نظام آفرینش بطور باطل و عبث خلق نشده است، در اینجا به «هذا» تعبیر شده و مسأله کثرت نیست «وما امرنا الا واحداً» بلکه یک حقیقت و یک فیض است و لذا بصورت مفرد آمده نه جمع، باطل عبارت از کاری است که هدفی در آن در نظر گرفته نمی شود بلکه حق است که دارای هدف می باشد، لذا می گویند «فقنا عذاب النار» ما را از عذاب دوزخ نگهدار.

در بعضی سوره ها هم این تعبیر به کار رفته است که اینها را به

باطل نیافریدیم

در سوره «انبیاء» می فرماید: «ما خلقنا السماء والأرض وما بینهما الا عبثاً»^{۱۳} و در سوره «دخان» می فرماید: «وما خلقنا السموات والأرض وما بینهما الا عبثاً»^{۱۴} ما آسمانها و زمین را بازیچه و بیهوده خلق نکردیم. ولی در مورد حیات دنیا می فرماید: «اتما الحیوة الدنیا لهو و لعب و زینة و تفاخر بینکم و تکاثرفی الأموال والأولاد»^{۱۵} بدایت زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و تفاخر در میان شما و افزون طلبی در اموال و اولاد است. اینجا است که این سؤال مطرح می گردد که این لهو و لعب را کی آفریده است؟

لهو و لعب چیست؟

مرحوم شیخ بهائی در رابطه با این مطلب لطیفه ای دارد که می گویند: کسی که دنیا زده است در این پنج مرحله که در آیه فوق

است گرفتار است [لهو، لعب، زینت، تفاخر، تکاثر] بعد هم پژمردگی و مرگ. در شیرخوارگی و کودکی به لهو سرگرم است؛ در نوجوانی بازیگر است؛ و در جوانی مشغول زینت و خودآرائی است؛ و در کهنسالی که فاصله میان جوانی و پیری است به جاه و مقام افتخار می کند؛ و در پیری به اموال و اولاد دلخوش می باشد که چقدر داشته و چه دارد؛ و بعد از آن پژمردگی و مرگ فرا می رسد. پس در دنیا لهو و لعب و زینت و تفاخر و تکاثر است که ادوار پنج گانه زندگی انسان را تشکیل می دهد و سپس قرآن برای آن مثالی می زند: «كَمْ غِثَ اعْجَبَ الْكُفَّارِ نِسَانَهُمْ يَهِيحُ فِتْرَاهُ مُصَفَّرًا لَمْ يَكُنْ حَطَّامًا» مانند بارانی است که به موقع بیارد و گیاهی در پی آن از زمین بروید و محصولش کشاورزان را در شگفتی فرو می برد سپس خشک می شود بگونه ای که آن را زرد رنگ می بینی سپس تبدیل به کاه می شود.

پاسخ سؤال یاد شده این است که اولاً دنیا غیر از آسمان و زمین است و آسمان و زمین لهو و لعب نیستند، آنچه لهو و لعب است جریانها و قراردادهای اجتماعی و اعتباری دنیا است، این جاه و مقامها و مال و منالها لهو و لعب است و گرنه درخت که آیتی از آیات الهی است، مذموم و ناپسند نیست ولی این نظام لازمه اش یک سلسله شون اعتباری و تبع مخلوق است و اینها لهو و لعب اند و خدا انسان را چند صباحی به لهو و لعب سرگرم کرده؛ اگر کودک را پدر حکیمی با تهیه وسائل بازی سرگرم نماید این خود حکمت است و یا چنانچه هیئت مدیره دبستانی ساعتی را به بازی برای کودکان اختصاص دهد این کاری حکیمانه است و هیئت مدیره دبستان بازیگر نیست، ما لایع نبشیم ولی شما را چند صباحی به لهو و لعب سرگرم کردیم برای اینکه شما را توانایی این نیست که بدون مال و منال کار کنید، شما این هنر را ندارید که مانند علی «ع»

زندگی کنید که دو تا جامه می خرید و جامه بهتر را به غلامش قنبر می داد و دیگری را خود می پوشید، شما را باید با همین بازیچه ها و لهو و لعب ها سرگرمتان کنیم مانند کودکان، و زمین هم گهواره شما است «الم نجعل الأرض مهاداً»^{۱۹} آیا زمین را مهد آسایش خلق قرار ندادیم. امیرمؤمنان علیه السلام دنیا را سه طلاقه کرده و نیازی ندارد که به این بازیچه ها سرگرم گردد.

ابن عباس درباره رسول خدا صلی الله علیه وآله می گوید که حضرت هر شب قبل از اینکه به نماز شب مشغول گردد این آیه را می خواند: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سِبْحَانِكَ فَنَقَا عَذَابَ النَّارِ» چرا که او را این بازیچه ها بخود مشغول و سرگرم نساخته بود، او آسمان و زمین را بعنوان آیات الهی می نگریست او کسی است که می گوید: «لُجِعْتُ لِي الْأَرْضِ مَسْجِدًا وَطَهْرًا» بنابراین پیامبر «ص» و علی «ع» به آسمان و زمین بدبین نیستند و آسمان و زمین را طلاق نداده اند بلکه آنها دنیا را طلاق داده اند همان را که ما بدنیالاش هستیم. بدین ترتیب باید بین دنیا که از آن بعنوان لهو و لعب و... یاد شده و بین آسمان و زمین که آیات الهی اند فرقی گذاشت.

ادامه دارد

- | | |
|-------------------------|----------------------------------|
| ۱- سوره البیاء - آیه ۳۰ | ۹- سوره انعام - آیه ۷۵ |
| ۲- سوره رعد - آیه ۲ | ۱۰- سوره آل عمران - آیات ۱۹۱-۱۹۰ |
| ۳- سوره حج - آیه ۶۵ | ۱۱- سوره ابراهیم - آیه ۴۳ |
| ۴- سوره بقره - آیه ۲۵۵ | ۱۲- سوره آل عمران - آیه ۱۹۱ |
| ۵- سوره عنکبوت - آیه ۶۱ | ۱۳- سوره انبیاء - آیه ۱۶ |
| ۶- سوره مائده - آیه ۴۰ | ۱۴- سوره دخان - آیه ۳۸ |
| ۷- سوره بقره - آیه ۱۵۷ | ۱۵- سوره حدید - آیه ۲۰ |
| ۸- سوره ق - آیه ۶ | ۱۶- سوره نبا - آیه ۶ |

• امام رضا «ع»:

«لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ».

(کافی - ج ۲ - ص ۴۵۵)

از ما نیست کسی که روزانه به حساب خویشتن رسیدگی نکند.